

دیدار با سازمان زنان نیکاراگوئه

سازمان زنان نیکاراگوئه (Acociacion de Mujeres Nicaraguense Luisa Amanda Espinoza) که به صورت اختصاری A. M. N. L. A. E. نامیده می شود به یادبود اولین زن مبارز ساندینیست که در درگیری چریکی شهری کشته شد، نامگذاری شده است.

در سال ۱۹۸۵ زمانی که من به اتفاق گروهی از دانشجویان از سازمان زنان دیدار کردیم، آن ها حدود ۵۰ هزار عضو دارای کارت داشتند. یعنی حدود پنج سال بعد از انقلابشان توانسته بودند در یک کشور ۳ میلیون نفری این تعداد، که رقم بالایی است، را عضوگیری کنند.

یکی از مسئولین سازمان زنان در قرار ملاقات ما توضیحاتی در مورد تاریخچه‌ی مبارزه‌ی زنان نیکاراگوئه و شرکت آن ها در انقلاب داد. این سازمان دو سال قبل از انقلاب یعنی در ۱۹۷۷ تأسیس شد و به بسیج زنان و مردان برای شرکت در پروسه‌ی مبارزاتی پرداخت. برخی زنان سلاح به دست گرفتند و برخی دیگر به خدمات درمانی و امدادسانی روی آوردند. در هر دو سال اول انقلاب، سازمان زنان هدفش کمک به بسیج های بازسازی کشور بود. سپس در سال ۱۹۸۲ پیشنویس قانون برابری زنان و مردان را تدوین و نهایتاً در مجلس به تصویب رساندند.

از ویژگی های انقلاب ساندینیست شرکت بی نظیر زنان در مبارزه‌ی مسلحانه و سازمانیافته بود. در سال ۱۹۸۷، آمار نشان می داد که ۶۷ درصد

میلیشاهای فعال و ۸۰ درصد گاردها را زنان تشکیل می دادند. یعنی پنجاه هزار نفر.

خارج از بخش های ارتشی، زنان نیکاراگونه، به ویژه مادران، ستون فقرات و پشتوانه‌ی شبکه‌ی کمک‌رسانی ساندینیست‌ها را تشکیل می دادند. آن‌ها خانه‌های امن ایجاد کرده، وظیفه‌ی غذارسانی، لباس و پناهگاه چریک‌ها و فعالان سیاسی را تشکیل می دادند. آن‌ها سازماندهی نقل و انتقال کمک‌های اولیه و امکانات پزشکی و پنهان کردن سلاح‌ها و پیغام‌رسانی و رساندن غذا به پناهندگانی که در کوه‌ها پنهان شده بودند و بسیج و تظاهرات برای آزاد کردن زندانیان سیاسی را به عهده داشتند.

در طول مدت مبارزه‌ی مسلحانه و پروسه‌ی انقلابی، زنان دوش به دوش مردان سلاح به دست مبارزه می کردند، و مقام‌های فرماندهی بالایی داشتند. در حمله‌ی نهایی و تعیین‌کننده‌ی انقلاب در شهر لئون، زنان مقام‌های رهبری کننده‌ی مهمی را در دست داشتند. ۴ تن از ۷ فرماندهان بالا رتبه، زن بودند.

وقتی از خاتم‌گلندا مونتیری رئیس سازمان زنان نیکاراگونه در مورد تعداد زنان حزب ساندینیست سؤال کردیم، پاسخ داد که آمار ۱۹۸۴ نشان می دهند که زنان ۳۰ درصد رهبری ساندینیست را زنان تشکیل می دادند. اما واقعیت دیگر این است که ده نفر رهبر اصلی ساندینیست‌ها (که به نام ده کماندانته مشهورند) همگی مرد هستند و هرگز طی رهبری ۱۲ ساله ساندینیست‌ها، یک نفر زن به بالاترین مقام راه پیدا نکرد.

در کتابی که توسط زنان رزمنده پیشین نیکاراگونه نوشته شده و عنوانش «مادر بودن در نیکاراگونه» است، مادری می نویسد: «هر کاری که کردیم به خاطر بچه‌هایمان بود تا بتوانند خواندن و نوشتن یاد بگیرند، تا بتوانند زندگی بهتری داشته باشند، ما با این انگیزه‌ها در انقلاب شرکت کردیم. با این انگیزه

که بتوانیم خواندن یاد بگیریم و اینکه خیلی چیزهای دیگری که نمی دانستیم یاد بگیریم و این طوری ما داخل پروسه انقلابی شدیم»^۱

آمار بعد از انقلاب نشان می داد که ۶۰ درصد معلمان بسیج سوادآموزی و ۷۵ درصد کسانی که در بسیج بهداشت کار می کردند زنان بودند.

اعضای گروه سنوالات بسیاری داشتند. در مورد حقوق زنان، مساوات با مردان...

مسئول سازمان زنان با لبخندی صحبتش را شروع کرد و گفت: «بعد از انقلاب ما میزبان گروه های مختلف از بسیاری کشورهای دنیا بوده ایم. و برایمان جالب است که تقریباً همیشه سنوالات کشورهای غربی را از قبل می دانیم... در پاسخ به سنوالات شما باید بگویم که از اولین ارجحیت های ما بعد از انقلاب، سیر کردن شکم مردمان بوده است و بسیج های سوادآموزی و بهداشت. از شما می خواهیم درک کنید که بین یک کشور ۳ میلیونی فقیر جنگ زده با کشورهای قدرتمند و پیشرفته ای شما تضادهای بسیاری وجود دارد».

مسئول سازمان زنان، در مورد برخی سوءتفاهماتی که ریشه در تفاوت های فرهنگی و اقتصادی کشورها دارد، مثال زد که «کمی بعد از انقلاب نیکاراگوئه، خاتم نویسنده مشهور و فمینیست آمریکایی به نام بتی فریدن^۲ به کشور و سازمان ما سر زد، ما فکر می کردیم که ایشان برای تحقیق و آشنایی مسائل زنان کشورمان سفر کرده اند و به همین دلیل ابتدا شروع کردیم و تاریخچه ای مبارزه ای زنان نیکاراگوئه را برایشان بازگو کردیم. اما ایشان

^۱ - صفحه ۲۲ - کتاب «مادر بودن در نیکاراگوئه» مجموعه بی از ۴۲ زندگینامه هستند از زنان فعال و مبارزی است که فرزندانیشان را در انقلاب از دست داده اند. آن ها در مورد بی عدالتی های رژیم دیکتاتور سوموزا و گارد ملی او نوشته اند.

^۲ - خاتم نویسنده بتی فریدن که بنیانگذار سازمان زنان آمریکا در سال ۱۹۶۶ است. کتاب «فمنین میسنتیک» نوشته ای او می باشد.

صحبت ما را قطع کردند و گفتند «آیا شما کتاب من را خوانده اید؟» ما گفتیم که خیر چون به تازگی انقلاب کرده ایم و فرصت نداشتیم. ایشان گفتند که «تا زمانی که کتاب را مطالعه نکرده اید، بهتر است در مورد مسائل زنان این چنین نظر ندهید!» ما هم توضیح دادیم که به محض اینکه کتابشان را به زبان اسپانیولی ترجمه کنند و به ما یک نسخه بدهند، حتماً مطالعه خواهیم کرد».

یک ماه بعد از پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۹، دولت ساندینیست قول داد که تمامی موانع بر سر راه برابری و شرکت کامل زنان در سیاست، اقتصاد و زندگی اجتماعی برای مردان و زنان را از سر راه بردارد. در واقع قانون اساسی نیکاراگونه به خاطر به رسمیت شناختن حقوق زنان، مثلاً تضمین مزد مساوی با مردان در برابر کار مساوی، یکی از پیشرفته‌ترین قانون‌ها در آمریکای لاتین است.

در دوران دولت ساندینیست، شرکت سیاسی زنان افزایش پیدا کرد. به ویژه در عضویت کمیته‌های شهری (کمیته‌های دفاع ساندینیست) که تماماً زن بودند. تا سال ۱۹۸۷، ۳۱ درصد مقام‌های بالای اجرایی دولت ساندینیست را زنان تشکیل می‌دادند. و ۲۷ درصد مقام‌های رهبری حزب ساندینیست همچنین ۲۵ درصد اعضای فعال حزب ساندینیست را زنان تشکیل می‌دادند.

در زمینه‌ی اقتصادی هم زنان نقش زیادی داشتند یک سوم کل کارگران کشاورزی زنان بودند. آمار سال ۱۹۸۷ نشان می‌دهد که ده هزار زن در انجمن دهقانان عضویت داشتند و ۳۷ نیروی کار بخش صنعتی را نیز زنان تشکیل می‌دادند.

اما متأسفانه، ساندینیست‌ها نتوانستند به قول‌های خودشان عمل کنند به رغم پیشرفت‌های زنان در طول دوران انقلاب، آن‌ها هرگز نتوانستند در جامعه‌ی نیکاراگونه به برابری دست یابند.

در سفرهای بعدی و صحبت با دوستان نیکاراگونه بی سه دلیل را برای عدم بهبود وضعیت زنان عمده بر می شمردند:

جنگ کنترها که باعث محدودیت برنامه های اجتماعی شد مخالفت داخلی از طرف کلیسا، عقاید "ماچیستا" (رفتار نرینه) بسیاری از رهبران ساندینیست. یکی از مواردی که مکرراً به آن اشاره می شد همین رفتار نرینه بود. این مشکل چیره بر جامعه هرگز حل نشد. به طوری که ما به وضوح می دیدیم در سطح کشور، زنان سرپرست خانواده هستند و درآمد را تأمین می کنند. نگهداری و تربیت فرزندان نیز بر عهده ی زنان است. به رغم اینکه از نقش زنان در بازار کار و جامعه تجلیل می شود، اما هیچگونه تسهیلات دولتی برای کمک به نگهداری کودکان وجود ندارد. شرایط کاری زنان، بد و درآمد کم است. به گفته ی زنان نیکاراگونه این ها برخی عوامل سرکوب و استثمار زنان به حساب می آیند.

منبع: کتاب خاطرات سفر نیکاراگونه

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴